

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

نویسنده: رابرت دریفوس
برگردان از: داکتر فرهاد زرگر
۰۲ اکتوبر ۲۰۱۶

گروگان نزد خمینی

۱۵



فصل هفتم

به ادامه گذشته:

یکی از منابع مالی این سازمان، از گروه همبستگی اسلامی است که یک پروژه فرعی از سازمان «کنگره جهانی مسلمانان» (WMC) است. یکی دیگر از منابع مالی سازمان که خیلی پرستیژ بیشتری دارد، فدراسیون بین‌المللی انیسیتوهای مؤسسات مطالعات پیشرفته است. همچنین در بین پشتیبانان مالی از شاهزاده هالند برنهارد، رئیس گروه بیلدبرگ، و رئیس ریچفیلد اتلانتیک رابرت او اندرسن می‌توان نام برد. اندرسن همچنین رئیس مؤسسه اسپن است. رئیس عمومی اسلام و غرب دکتر مارسل بوئیسارد که معاون دانشکده مطالعات عالی بین‌المللی ژنیو است، در یک مصاحبه اشاره کرد که اولین ملاقات مقدماتی سازمان اسلام و غرب در سال ۱۹۷۶ در کمبریج، و ملاقات ۱۹۷۷ را در ونیز و به دنبال آن در ۱۹۷۸ ملاقات در پاریس را برنامه ریزی کرد. بر اساس گفته‌های بوسارد، تأکید صحبت‌ها در این ملاقات‌ها بر روی «نیاز به نزدیکی بین اسلام و غرب» در قالب «احتیاج به یک نظم نوین جهانی» بود. یک بودجه ۱۰ میلیون دلاری برای پروژه‌های مربوط به «مطالعات مخصوص در روی تأثیر علوم و تکنولوژی بر فرهنگ و زندگی اجتماعی اسلام»، و «مطالعات در مورد درک مسلمانان از حقوق بشر» و نیز «بازسازی مؤسسات اسلامی و تأسیس مراکز جدید اسلامی» واگذار شد.

فرستاده پروتستان به سازمان اسلام و غرب، کشیش جان بی. تیلور است که رئیس جهانی شورای کلیساهای ژنیو می-باشد. او در یک مصاحبه در دسامبر ۱۹۷۹، از انقلاب خمینی در ایران به عنوان شروع یک «رنسانس اسلامی» اظهار خوشحالی کرد. و پیش بینی کرد که «زنده شدن اسلام روی کشورهای دیگر از جمله ترکیه، که رهبران مذهبی قدرت را خواهند گرفت، و مصر و الجزیره، که اخوان المسلمین خیلی قدرتمند خواهند شد، اثر خواهد گذاشت. قدرت‌گیری شبکه اخوان المسلمین در اروپا، همان چیزی است که زیگنیو برژینسکی از آن به نام بنیادگرائی اسلامی یاد می‌کند. این همان ابزاری است که آماده است ملت‌های اسلامی را به ناتو وابسته کند. برای این کار اولین قدم به وسیله سلام اعظم از شورای اسلامی اروپا، برداشته شد که مؤسسه اسلامی برای تکنولوژی دفاع تأسیس شود. این مؤسسه در اواخر سال ۱۹۷۸ به وسیله شورای اسلامی به وجود آمد، و امروز اعظم رئیس شورای مدیریت آن است، در حالی که معظم علی، رئیس اتحادیه نشریات اسلامی که بخشی از شورای اسلامی است، مدیر کل آن است. سمینار افتتاحیه مؤسسه اسلامی در ۵ تا ۹ فبروری ۱۹۷۹ در لندن برگزار شد. در آن سمینار شبکه وسیعی از ستراتیژیست‌ها و افسران ارتش از دو طرف هم از کشورهای عضو ناتو خاصه یک گروه قوی از انگلیس و هم از جهان اسلام، به خصوص جنرال ضیاء الحق از پاکستان شرکت داشتند. شرکت‌کننده‌ها در سمینار، خود را موظف کردند که پیچیده‌ترین اسلحه‌های نظامی موجود را برای مؤسسه اسلامی آماده کنند. برای این که در ضمن همکاری با ناتو یک احساس از پیچیدگی اسلحه‌هایی که مؤسسه در برنامه خود برای کار اخوان المسلمین دارد، داشته باشند. در اینجا لازم است که به سخنرانی ا.ک. بروهی رئیس سابق دیوان عالی پاکستان، که راه را برای اعدام ذوالفقار علی بوتو در سال ۱۹۷۹ هموار کرد، توجه فراوان کنیم.

بروهی اعلام کرد: «کشورهای مسلمان یک موقعیت ژئواستراتژیکی را در جهان اشغال کرده‌اند که از نظر دفاعی اهمیت زیادی دارد، برای این که بسیاری از آن کشورها در مسیر حیاتی‌ترین راه‌های زمینی و بحری جهان قرار دارند. بنابراین کشورهای اسلامی باید آمادگی دفاعی خود را هدف قرار دهند. تا مانع نفوذ فرهنگ منطقه‌ای و تأثیر آن بر راه زندگی اسلامی که خیلی برایمان ارزشمند است، بشویم. بنابراین کوشش مؤثری باید انجام شود که روح اسلامی صحیح را دوباره زنده کرده و جهان اسلام را قادر سازیم که جوابگوی تقابل‌های ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی عصر حاضر باشد.» البته با جت‌های جنگنده و تانک‌های امریکائی و انگلیسی این کار باید انجام شود. با وجودی که مرکز اخوان المسلمین در غرب اروپاست، اما طبیعتاً در درجه اول پایگاه‌های آن در کشورهای جهان عرب اطراف مدیترانه و در خلیج فارس قرار دارد.

تحقیقات اخیر نشان داده که چندین نقطه حد وسط برای فعالیت‌های اخوان المسلمین وجود دارد. یک کانال اخوان المسلمین از طریق لبنان و سوریه به داخل قبرس است که سال‌هاست مرکز سازمان جاسوسی انگلیس در خاورمیانه می‌باشد، به غیر از آن جزیره مالتا است که عمدتاً یکی از پایگاه‌های اصلی برای اخوان در شمال آفریقا و مصر است. و با تعهدهای مالی اروپای غربی و انگلیس، برای اخوان المسلمین اداره می‌شود. اگر اخوان فقط یک مجموعه از گروه‌های کوچک تروریستی نامرتب در خاورمیانه بود، نمی‌توانست که خطر سیاسی که هم‌اکنون است، باشد. چون برای هر ملت اسلامی، گروه‌های دانشجوی بنیادگرا، فرقه‌های بنیادگرا و دسته‌های قرون وسطائی بی‌نهایت هرج و مرج طلب، چیزی جز یک مشکل دائمی پولیس نیستند. اما اخوان المسلمین تهدیدش به مراتب در حد بالاتری است.

در تمام دولت‌های عرب، ترکیه، و بسیاری از کشورهای آسیائی، اخوان المسلمین از پشتیبانی و محافظت وزراء و مسؤولین اطلاعاتی و جاسوسی، افسران ارتش و بسیاری دیگر از اعضای بالای دولتی برخوردار است. پژوهشگران اطلاعاتی که به دنبال آن هستند که رد سران اخوان را پیدا کنند، حیرت‌انگیزانه در می‌یابند که «بنا به دستور از بالا»، تحقیقات آنها متوقف می‌شود. مسؤولین محافظت و مأمورین مجری قانون که تروریست‌های اخوان را تحت تعقیب قرار

می‌دهند، ناگهانی به قتل می‌رسند. سیاستمداران از باز کردن پرونده اخوان اکراه دارند، برای این که مستقیماً از شایعه این که مثلاً فلان رئیس یا مسؤول بالا نمی‌خواهد که جلو پیشرفتش گرفته شود.

اخوان زیاده از حد به وسیله فساد مالی کمک می‌شوند. اخوان المسلمین تنها یک شیخ بنیادگرا ویا مقلدین و پیروان مرتجع او نیستند و نه حتی یک ملای بالار تبه و یا یک آیت‌الله است که تمام جنبش‌ها را مانند خمینی یا قذافی یا جنرال ضیاءالحق، رهبری کند.

اخوان المسلمین واقعی آنهایی هستند که دستان آنها هرگز به کشتن و یا سوختن آلوده نشده، آنها بانکارها و شرکت‌های مالی مخفی هستند که در پشت پرده ایستاده‌اند، اعضای قدرتمند قدیمی عرب، ترکیه، و یا فامیل‌های قدیمی ایرانی که ژن آنها به برجستگان و ایلت‌های الیگارشی می‌رسد. با تجارت آرام و ارتباطات اطلاعاتی به برجستگان و نوبل‌های اروپائی و به خصوص به دستگاه حکومتی انگلیس به نوعی وابسته هستند. همچنین اخوان المسلمین یعنی پول، اخوان روی هم‌رفته احتمالاً در حال حاضر چندین ده میلیارد دالر دارائی نقد دارند، و میلیاردها دالر دیگر در تجارت روزانه در فرم معاملات نفتی، کنترل مواد مخدر، و تجارت غیرقانونی اسلحه و قاچاق طلا و الماس در اختیار دارند. با پیوستن امریکائی-انگلیسی‌ها به اخوان المسلمین به این معنی نیست که به یک تروریست برای پرتاب راکت می‌پیوندند، بلکه آنها شریک امپراتوری مالی قدرتمند جهانی می‌شوند که از شماره حساب‌هایی در بانک‌های سوئیس گرفته تا بهشت‌های مالی در ساحل‌های دوبی، کویت و هنگ‌کنگ، گسترده شده است.

برای نمونه ؛ آیا برت لانس (Bert Lance) چند صد میلیون دالر نیاز دارد که بانکش را از ورشکستگی مالی بیرون بیاورد؟ به اخوان المسلمین سر بزنید. درخواست یافت که آن مجموعه مهم لندن به دنبال شریکی است که چند میلیارد دالر در استخراج مواد خام در افریقا سرمایه‌گذاری کند، با اخوان المسلمین تماس بگیرید . آن مجموعه بانک حرام‌خانه‌ها می-خواهد به فرانک فرانسه کارش را شروع کند، باز هم به اخوان سری بزنید! ببینید که آیا از زمان کشتار بیش از ۶۰ نفر از دانشجویان دوره نظامی در سوریه و قتل‌های بی‌شمار دیگر، از مسؤولین عالیرتبه و یا کارکنان عادی دولت سوریه، حتی یک نفر هم از اعضای تروریست اخوان المسلمین که ادعای مسؤلیت تمام این کشتار وحشیانه را داشته اند، دستگیر شده است؟ بنابراین موج توحش علیه حکومت حافظ اسد، شامل دوستان قدرتمندی در خود دولت است. دو تا از آنها بی‌نهایت قدرتمندند : یکی کلنل رفعت اسد، برادر حافظ اسد رئیس جمهور، که یک گروهان مخصوص ارتش را رهبری می‌کند، و دیگری نخست‌وزیر محمدحیدر، امپراتور اقتصاد سوری.

داستان این دو نفر که از اخوان المسلمین پشتیبانی مالی می‌کردند بهترین مثال برای آن است که چگونه برنامه برنارد لوئیز مؤثر افتاده است. هر دو، هم رفعت اسد و هم حیدر از شیعیان علوی یک فرقه اقلیت در سوریه هستند که رژیم کنونی سوریه در دست آنهاست. بسیاری از قتل‌های اخیر علیه فرقه و اقلیت علوی‌ها به وسیله اخوان المسلمین طرفدار سنی‌ها یا مسلمانان بنیادگرا انجام شد. چگونه این امکان است؟ منابعی گزارش دادند که حیدر و رفعت اسد مخفیانه قتل-های کسانی را که ضد علوی‌ها بودند، تشویق می‌کردند به خاطر این که موضوع جدائی طلبی علوی را تقویت کرده و حکومت مرکزی را تضعیف کنند. بنابراین اسد و حیدر که بنا به گزارشاتی در ارتباط با سازمان جاسوسی رومانی هستند از طرفی با اخوان نیز همکاری می‌کنند. از نظر تاریخی همانطور که بیشتر سیاستمداران سوری می‌دانند، اخوان المسلمین در سوریه و لبنان مانند یک وزنه مقاوم علیه نفوذ فرانسه و به خصوص شارلز دوگل در منطقه کار کرده‌اند. در سال ۱۹۴۴، وقتی که انگلیس آخرین حمله خود را برای بیرون راندن فرانسه از منطقه شروع کرد، به طور ناگهانی گروهی به نام جوانان محمد به عنوان شعبه قدرتمندی از اخوان مصر ظهور کردند. نفوذ انگلیس به گرد سه شهر هومس، هما و حلب دور می‌زد. براساس روزنامه‌های سوریه، بعضی از سران دولت هم در عربستان سعودی و

هم در اردن کمک‌های لجستیکی و نظامی به تروریست‌های اخوان در سوریه می‌کردند. بعضی از گزارشات حاکی از این است که آموزش کمک نظامی در پایگاه اردن بود که به اخوان المسلمین آموزش می‌داد. حداقل یک بار دولت سوریه سازمان آزادی‌بخش فلسطین را که در ارتباط با اخوان المسلمین هستند، محکوم به آموزش تروریستی اخوان المسلمین کرد که یکی از سران دولت سوریه را به قتل رسانده‌اند، اما اخوان همچنین به وسیله دشمن خطرناک سازمان آزادی‌بخش فلسطین، یعنی فالانژیست‌های مسیحی که اسلحه و پول به اخوان المسلمین در سوریه می‌دهند، پشتیبانی می‌شد. حزب الاصل شیعه در جنوب لبنان نیز به اخوان سوریه پول و اسلحه می‌دادند و نیز دستگاه جاسوسی اسرائیل از طریق لبنان به اخوان در سوریه کمک ارسال می‌دارد.

در سال ۱۹۷۹، رئیس‌جمهور مصر انور سادات، رهبر کنونی اخوان المسلمین را در مصر ملاقات کرد. شیخ المصاری از مجله الدعوه، در یک مهمانی شرکت داشت که در آن سادات روشن کرد که او هیچ مخالفتی علیه اخوان ندارد و اخوان باید به عنوان یک نیروی ملی وفادار در مصر شناخته شود. او گفت که اخوان از زمانی که عبدالناصر رسماً آن را منحل کرد خیلی تغییر کرده است.

البته، انور سادات «عضو سابق» این سازمان است و اخوان امروزه دقیقاً به همان وضع یعنی به عنوان بازوی پولیس مخفی انگلیس در مصر کار می‌کند که در زمانی که سادات عضو آن بود کار می‌کرد. عموماً بسیاری برای باور اند که کنترل سیاسی اخوان المسلمین زیر قدرت حسن ال‌نهامی مشاور مخصوص سادات، می‌باشد. ال‌نهامی همچنین رابط اطلاعاتی با اسرائیل، انگلیس، و امریکا است. ال‌نهامی سال قبل آشکار کرد که مصر امکان دارد که یک میلیون مسلمان را برای رفتن به اورشلیم بسیج کند. سران اخوان در مصر در رأس یک گروه تروریستی مخفی قرار دارند که رسماً به آنها وابستگی ندارند اما دستورات اخوان را اجراء می‌کنند. یکی از این گروه‌ها ال‌تفکیر ال‌هجره، که خط آن به زمان حسن البنا می‌رسد. بنا بر گزارشی، این گروه در بمب‌گذاری مسجد اعظم (مقدس‌ترین ساختمان در مکه) در سال ۱۹۷۹ دخالت داشته است.

یکی دیگر از این گروه‌ها «جماعت الاسلامیه» است که در دانشگاه الازهر به وسیله حسن البنا تشکیل شد. در چند سال اخیر پولیس مصر چندین بار به افراد این گروه حمله برده است. در شهر آسیوت، پولیس هزاران سلاح اتوماتیک تصرف کرد که تعدادی زیادی از آنها تفنگ‌های یوزی ساخت اسرائیل بود. در خلال ماه رمضان، اخوان قدرت نظامی خود را به نمایش درآورد و در نشریه لموند پاریس تأکید کرد که این جنبش به عنوان یک نیروی منظم و دشمن ارتش مصر شناخته شود، سپس اخوان المسلمین تقریباً رسماً کنترل حکومت‌های همسایه مصر، سودان و لیبیا را به دست آورد. از زمان کابینه شیخ ترابی، سودان در دست اخوان المسلمین اداره می‌شود. تحت نفوذ ترابی سودان از ادامه روابط خود با ائتیمی جلوگیری کرده و اکنون به جبهه آزادیبخش اریتره کمک نظامی و مادی می‌کند. جبهه اریتره جنبش چریکی است که برای استقلال از ائتیمی مبارزه می‌کنند. سودان با خاک حاصل‌خیزی که از باتلاق جنوب سودان دارد، این پتانسیل را دارد که تبدیل به تولید غله برای تمام افریقا شود. اما از زمان برده‌داری قرون وسطی تاکنون سودان هیچ وقت نتوانسته است از عقب‌ماندگی که گریبان‌گیر آن بوده بیرون آید. اکنون کشور سودان درگیر رشد جنبش فرقه‌های دراویش و موعظه‌گران بنیادگرا در مناطق عقب مانده است. بسیاری از این فرقه‌ها خدایان دوران قبل از اسلام یعنی ایسیز (ISIS) و بت عنرا را پرستش می‌کنند. اخوان المسلمین در لیبیا از طریق اخوان سنوسی کار می‌کنند. قدرت اخوان سنوسی از زمان قدرت گرفتن و روی کار آمدن معمر قذافی بنیادگرای اسلامی نسبتاً کم شده است. در جولای ۱۹۷۹ اخوان سنوسی بودند که بین مصر و لیبیا و تونس پیوستگی نظامی به وجود آوردند تا در آگاندا به پشتیبانی عیدی امین بجنگند. اخوان سنوسی بی‌نهایت مخفی کارند، به طوری‌که به ژورنالیست‌هایی که می‌خواهند با آنها تماس بگیرند اکیداً

گفته می‌شود که آنها دیگر وجود ندارند و در حقیقت این که هیچ کس «از آنها خبری ندارد» اما در جولای ۱۹۷۷، اخوان سنوسی سرتیتر رسانه‌ها شد. یک روزنامه لبنانی گزارش داد که سادات در نظر دارد که با سنوسی‌ها قرارداد امضاء کند. جامعه سنوسی هم اکنون در یک مرکز مذهبی به نام کُفرادر در وسط بیابان‌های شرقی در لیبیا مستقر هستند، این مرکز سال‌ها پایگاه نظامی سنوسی بوده است و بسیاری از فامیل‌های مشهور در سرینایکا اعضای اخوان سنوسی هستند.

مصر و مراکش هر کدام یکی مثل خمینی دارند که امام کور نامیده می‌شود شیخ کیشک سال‌هاست که امام مسجد قاهره است. و مرتباً به غرب‌گرائی مصر و فساد سیاسی آن کشور حمله می‌کند. همچنین به قرارداد کمپ دیوید (صلح بین مصر و اسرائیل) حمله کرده. با اینحال انور سادات هیچ‌وقت دستور دستگیری این تحریک‌کننده را نداده است. «او در سرتاسر مصر مشهورترین مرد محسوب می‌شود.»

در اثر فشار کیشک و پیروان او، پارلمان مصر قانون‌هائی گذراند که فرهنگ عمومی جامعه را اسلامی کند براساس این قوانین نوشیدن مشروبات الکلی و قماربازی در جامعه مصر منع شده است. نفوذ کیشک تا الجزیره و تونس هم ادامه دارد. در جنوری ۱۹۷۹، در منطقه مدیا (Medea) الجزیره، جنوب پایتخت الجزیره نزدیک دهکده بلیدا یک اتفاق عجیبی رخ داد، نامه ای پخش شد که خواب یک امام در مکه بوده در آخر از نا بودی حتمی جهان خبر می‌داد. این نامه از افرادی که به دستشان رسیده درخواست دارد که آن را تکثیر کنند و به افراد دیگر نیز برسانند. هرکس اینکار را بکند، نویسنده نامه می‌گوید، بعد از مرگش به بهشت می‌رود و اگر او اینکار را نکند، محکوم می‌شود. براساس نشریه المجاهد الجزیره پخش این نامه کوچک سر و صدا و حرکت زیادی در بین کشاورزان جنوب الجزیره ایجاد کرد.

بنا به منابع الجزیره‌ئی، درست مانند همین نامه در سال‌های ۱۹۳۰ نیز پخش شد. مرکز پخش در آن زمان و امروز شبکه‌ای در کسر ال بخاری در ناحیه مدیاست. روزنامه الجزیره گزارش کرد که «معلمان خارجی» که با افراد مخصوصی در دانشگاه الجزیره و مسجد شاتینوال در بلیدا کار می‌کنند اینگونه مطالب بی محتوا را پخش می‌کنند. بنیادگرهای وابسته به کیشک به کشاورزان می‌گفتند که در روی زمینی که ملی شده، نماز خواندن گناه دارد.

بعداً همچنین روشن شد که هزارها نوار کاست در همان محل بین کشاورزان پخش شده بود که صحبت‌ها و سخنرانی‌های کیشک بودند و همان تاکتیک را به کار برد که خمینی وقتی در تبعید بود، در ایران به کار می‌برد. برای رعیت‌های عقب‌مانده خیلی مهم بود که به کلمات مقدس امام گوش فرا دهند و برای تحصیل‌کرده‌های روشنفکر مصری به عکس آن بود. طبق برآورد جدیدی که شده بیش از ۲۵٪ جوانان دانشگاه‌های کشور مصر تشویق شده‌اند که برای رفرم اسلامی کیشک فعالیت کنند، «سازمان دانشجویان مسلمان» تا آنجائی که توانسته است از دولت عربستان سعودی دوری جسته است. اما به نظر می‌رسد که این آمار تغییر کند. رهبر ایرانیان در کنفرانس سازمان دانشجویان ایرانی در بهار ۱۹۸۰ ادامه داد: «در عربستان سعودی ما با گروهی که در اطراف شاهزاده عبدالله هستند کار می‌کنیم. همینطور دانشمندان تحصیل‌کرده مذهبی با ما هستند. از زمان کشتن ملک فیصل، حکمران جدید، ملک فهد، از هر کس دیگر از اعضای خانواده به غرب نزدیک تر شده است. البته قرارداد مصر - اسرائیل شکاف بین دو گروه را بیشتر کرده و البته نفوذ ما را نیز بیشتر کرده است.

ملک فهد روی مصر و ارتش آن حساب می‌کرد که هر دو کشور با هم از تأثیر حرکت اسلامی در ایران به داخل عربستان سعودی جلوگیری کنند، اما آنطور که او می‌خواهد نمی‌تواند با مصر کار کند. گروه شاهزاده عبدالله با جنبش همراهی دارند، و پول نفت را صرف مخارج جنبش در کشورهای اسلامی دیگر من جمله جنرال ضیاء در پاکستان می‌کنند

جنبش ممکن است تا ده سال دیگر روی عربستان سعودی تأثیر بگذارد. برنامه اخوان برای عربستان سعودی در نشریات انگلیسی-امریکائی انتشار یافت. بعد از ملاقات اعضای اوپک در سپتامبر ۱۹۸۰ در شهر وین، واشنگتن پست نوشت: «قدرت عربستان سعودی در این است که یک انقلاب دیگر مانند انقلاب ایران در کشورهای نفت خیز جهان وجود نداشته باشد. شورش مکه که اخوان المسلمین مسجد اعظم را در مکه اشغال کردند: نشان می‌دهد که ایران بعدی ممکن است عربستان سعودی باشد. با وجود شاهزاده عبدالله و گروهی از خانواده سلطنتی که در اطراف او هستند، اخوان المسلمین در عربستان سعودی به سرعت رشد کرد، چون عبدالله سومین شخص در عربستان و فرمانده قدرتمند گارد ملی عربستان است.

گارد ملی خودش از بقایای اخوان المسلمین در عربستان سعودی تشکیل شده و در اوایل قرن بیستم نیروی وابسته نظامی پشتیبان خاندان سعود بود که سرزمین عربستان را به وسیله ملک عبدالعزیز در اختیار گرفتند، تا امروز قبیله‌های مختلف بیابانهای عربستان با وجودی که نفوذ گذشته خود را به نمایش نمی‌گذارند، اما با این حال گروه‌های مافیائی و مخالف تشکیل می‌دهند که از دور مواظب شاهزاده عبدالله هستند. اما عبدالله در بین خاندان سعود تنها کسی نیست که اخوان را پشتیبانی می‌کند. رئیس سابق اطلاعات و جاسوسی سعودی کمال ادهم و مشاور خانوادگی پادشاهی رشید فراعون و غیث فراعون، و پسر تاجر او هم از پشتیبانان اخوان هستند و نیز شاهزاده محمدبن فیصل، وزیر سابق منابع معدنی و آبهای سعودی در ضمن دیداری از نیویورک در ۱۹۸۰ اعلام کرد که خمینی و ملاهای ایران یک «رنسانس اسلامی» را به ایران می‌آورند.

پشتیبانان اخوان در عربستان سعودی از قدرتمندترین و ثروتمندترین مردان در جهان اسلام هستند. شاهزاده محمد خودش در مرکز یک امپراتوری کوچک است که متشکل از اتحادیه بانک‌های اسلامی در جده می‌باشد، که حداقل شعباتی در شش کشور دیگر مسلمان دارد. او با همراهی دولت‌مداران اروپائی سمیناری را سرپرستی کرده که در مورد «نظم جهانی اسلامی» که به اصطلاح «پول اسلامی دینار» اساس آن باشد، برنامه ریزی کند.

از این که اخوان المسلمین یک نیروی قدرتمند با داشتن قدرت در حال رشدی است که پیش‌بینی زیگنیو برژینسکی در مورد «هلال بحران‌ها» را برآورده می‌کند، روشن است، اما آنچه که تکان‌دهنده است این است که اخوان المسلمین آنچنان کنترل قوی روی حوادث در امریکا که یک کشور غیراسلامی است نیز دارد، که داستان آن را در فصل آینده خواهید دید.

ادامه دارد